

مجله علمی - پژوهشی دانش حسابداری مالی

دوره سوم، شماره ۴، پیاپی ۱۱، زمستان ۱۳۹۵، صفحه‌های ۱-۲۲

تاثیر معیارهای منتخب بر رابطه بین اطمینان بیش از حد مدیریتی و دقت پیش بینی سود

سید عباس هاشمی*

دانشیار حسابداری دانشگاه اصفهان

سیده زهرا طباطبایی

دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه اصفهان

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تاثیر معیارهای منتخب بر رابطه بین اطمینان بیش از حد مدیریتی بر دقت پیش بینی سود است. دقت پیش بینی سود از طریق میزان درصد تغییرات در تفاضل خطای پیش بینی سود اندازه گیری شده است و اطمینان بیش از حد مدیریتی نیز بر اساس معیار نسبت مخارج سرمایه‌ای به کل دارایی‌ها محاسبه گردیده است. با استفاده از روش نمونه‌گیری حذفی سیستماتیک ۱۰۸ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۴ از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شدند. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل رگرسیون چندگانه به شیوه داده‌های تلفیقی استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که اطمینان بیش از حد مدیریتی بر دقت پیش بینی سود تاثیر منفی و معنی‌دار دارد. همچنین، خوشبینانه بودن پیش بینی سود سال گذشته و اختیار مدیریتی بر رابطه بین اطمینان بیش از حد مدیریتی و دقت پیش بینی سود تاثیر منفی و معنی‌دار اما افق زمانی بر این رابطه اثر مثبت و معنی‌دار دارند.

واژگان کلیدی: اختیار مدیریتی، اطمینان بیش از حد مدیریتی، افق زمانی، پیش بینی خوشبینانه، دقت پیش بینی سود.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۸/۲۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۱۰/۲۹
نویسنده عهده‌دار مکاتبات: a.hashemi@ase.ui.ac.ir

۱- مقدمه

مدیران شرکت‌ها همواره در حال تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و عملیاتی برای شرکت می‌باشند و شرکت‌ها نیز بر اساس تصمیمات گرفته شده همواره با یک طیف گسترده‌ای از بازخوردهای کمی و کیفی از طرف بازار، مشتریان، کارکنان و سایر ذی‌نفعان رو به رو هستند. این بازخوردها ممکن است تصمیمات گرفته شده را حمایت کنند که به این نوع بازخوردها، بازخوردهای حمایتی^۱ می‌گویند. از نشانه‌های این نوع بازخوردها می‌توان به افزایش فروش، افزایش تعداد توافقات قراردادی با شرکت و افزایش رضایت کارکنان اشاره کرد (کایز^۲، ۲۰۰۱). در برخی مواقع نیز بازخوردها تصمیمات اجرا شده را نقض می‌کنند و نیاز به اصلاح در تصمیمات را نشان می‌دهند که بازخوردهای اصلاحی^۳ نام دارند. از نشانه‌های این نوع بازخورد می‌توان به بدنامی شرکت در رسانه‌ها، کاهش فروش و گردش بالای کارکنان در شرکت اشاره کرد (بارون^۴ و همکاران، ۲۰۰۱). زمانی که بازخوردها نشان دهنده نادرستی تصمیمات است (بازخوردهای اصلاحی)، واکنش شرکت‌ها به این نوع بازخوردها متفاوت است. برای مثال، زمانی که محصول شرکتی از بازار به دلیل معیوب بودن جمع آوری می‌شود، شرکتی ممکن است فرآیندهای تولیدی خود را به طور اساسی تغییر دهد و در مقابل شرکتی دیگر ممکن است فقط به تغییرات سطحی اکتفا کند (واریکاس^۵ و همکاران، ۲۰۱۱).

علت واکنش متفاوت شرکت‌ها به بازخوردهای اصلاحی می‌تواند ناشی از سطح سازمانی و محیط سازمانی و یا سطح ویژگی‌های فردی افراد تصمیم‌گیرنده در شرکت باشد. یکی از دلایلی که می‌توان برای واکنش متفاوت شرکت‌ها به بازخوردهای اصلاحی در سطح ویژگی‌های فردی افراد تصمیم‌گیرنده بیان نمود، «سطح اطمینان بیش از حد مدیریتی^۶» است. اطمینان بیش از حد مدیریتی اشاره به برآورد بیش از واقع دقت قضاوت و مهارت افراد و میزان موفقیت‌های آن‌ها دارد. اطمینان بیش از حد مدیریتی با خوش بینی^۷ متفاوت است. خوش بینی تنها به عنوان انتظار داشتن نتایج مثبت تفسیر می‌شود که به این مورد اثر بالاتر از میانگین^۸ می‌گویند. اما اطمینان بیش از حد علاوه بر این جنبه دارای جنبه دیگری به نام اثر درجه بندی نادرست^۹ است. این جنبه بیان می‌کند که مدیرعامل علاوه بر انتظار داشتن نتایج مثبت، همزمان باید انتظار وجود رویداد مخرب بر شرکت را داشته باشد (چن^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۴: ۲).

براساس اطمینان بیش از حد افراد اغلب نتایج خوب را به توانایی‌هایشان و نتایج بد را به عوامل خارجی نسبت می‌دهند. در واقع علت روانشناسی افراد از طفره رفتن از مسئولیت‌ها، به تاسف‌گریزی آن‌ها مربوط است. افراد تمایل به نسبت دادن شکست‌هایشان به اشتباه‌های خود را ندارند و در نتیجه افراد تمایل به انتقال مسئولیت‌هایشان به عوامل خارجی به منظور جلوگیری از دردهای روانی دارند. (ون^{۱۱} و همکاران، ۲۰۰۷). بر همین اساس اشتباه‌های ناشی از تصمیم‌گیری به عوامل خارجی نسبت داده می‌شود (عدم مسئولیت پذیری) و به بازخوردهای

اصلاحی توجهی نمی‌شود. عدم توجه به بازخوردهای اصلاحی باعث عدم استفاده از اطلاعات حاصل از این بازخوردها در فرآیند تصمیمات آتی مدیران می‌شود. یکی از تصمیماتی که توسط مدیران گرفته می‌شود، پیش بینی سود است. در صورتی که مدیر با اطمینان بیش از حد باشد، در صورت وجود خطا در پیش بینی سود، آن را به عوامل خارجی نسبت می‌دهد و به بازخوردهای اصلاحی حاصل از آن توجهی نمی‌کند. بنابراین، نیازی نمی‌بیند که از اطلاعات حاصل از بازخوردهای اصلاحی در دقت پیش بینی‌های آتی سود استفاده کند (چن و همکاران، ۲۰۱۴: ۶). براین اساس، هدف اصلی این پژوهش پاسخ به این سوال است که «که آیا اطمینان بیش از حد مدیریتی بر دقت پیش بینی سود تاثیر دارد و از طرفی معیارهای پیش‌بینی خوشبینانه سود، افق زمانی و اختیار مدیریتی می‌تواند بر این رابطه اثرگذار باشد؟».

۲- مبانی نظری

سود یک از مهمترین اقلام در صورت‌های مالی می‌باشد که از دیرباز تاکنون مورد توجه استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی بوده است. سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی علاوه بر اطلاعات تاریخی، نیاز به یکسری اطلاعات درخصوص آینده واحد تجاری دارند به گونه‌ای که بتوانند منافع حاصل از سرمایه‌گذاری‌های خود را پیش بینی نمایند. از این رو همواره به دنبال دسترسی به اطلاعاتی هستند که روند سودهای آتی را پیش بینی کنند و در این زمینه یکی از مواردی که می‌تواند به سرمایه‌گذاران در خصوص پیش بینی‌های آن‌ها کمک نماید، سود پیش بینی شده توسط مدیران می‌باشد. از طرفی محیطی که شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند به علت تغییرات تجاری همواره با بی ثباتی همراه است و به همین سبب مدیران از دورنمای تجاری شرکت ارزیابی درستی ندارند و از این رو نیز خطاهای عادی در افشای اجباری و اختیاری آن‌ها اجتناب ناپذیر است (خلیفه سلطانی و همکاران، ۱۳۸۹). از این رو عوامل زیادی می‌تواند در دقت پیش بینی سود مدیریتی و نحوه واکنش

شرکت به بازخوردهای اصلاحی تاثیر بگذارد. یکی از این عوامل اطمینان بیش از حد مدیریتی است. اطمینان بیش از حد مدیریتی که پیش بینی‌های نادرست را به عوامل خارجی نسبت می‌دهد، کمتر به بازخوردهای اصلاحی توجه می‌کند و دقت پیش بینی سود آتی را کاهش می‌دهد. هر چه پیش بینی‌های سال گذشته نیز خوش بینانه تر بوده باشد، این دقت کمتر است. همچنین، فاصله طولانی‌تر بین تاریخ پیش بینی و تاریخ انتشار واقعی سود و غیر قابل پیش بینی بودن محیط عملیاتی شرکت نیز این دقت را کمتر از قبل می‌کند (چن و همکاران، ۲۰۱۴: ۵). در روانشناسی یک سوگیری رفتاری به نام سوگیری خود انتسابی^{۱۲} وجود دارد. در این سوگیری رفتاری، افراد نتایج مطلوب را ناشی از تصمیمات خود و نتایج نامطلوب را به عوامل خارجی نسبت می‌دهند (کانمن و تورسکی^{۱۳}، ۲۰۰۰). بنابراین، رویدادهای منفی توسط عوامل خارجی توجیه می‌شود. این سوگیری رفتاری اشاره به سطح اطمینان بیش از حد دارد. اطمینان بیش از حد، ضریب هوشی افراد را در مقایسه با دیگران بیش از واقع برآورد می‌کند و بیان می‌کند که پیش بینی‌های آن‌ها در مقایسه با دیگران صحیح‌تر است (لاروود و ویتیکر^{۱۴}، ۱۹۷۷؛ اسونسون^{۱۵}، ۱۹۸۱). در صورتی که شواهد نشان دهد پیش بینی‌های آن‌ها نادرست بوده است، این افراد از ناهماهنگی شناختی^{۱۶} استفاده خواهند کرد. منظور از این ناهنجاری‌ها وجود برخی از ناسازگاری‌ها در میان اجزای دانش است. یک راه حلی که افراد برای حل این ناهنجاری‌ها به کار می‌برند، افزودن یک جز ساکن، به دانش^{۱۷} است. جز ساکن اجازه می‌دهد که اجزای ناسازگار دانش به طور منطقی کنار هم قرار بگیرند. برای مثال انکار مسئولیت یا مقصر دانستن عوامل خارجی برای پیش بینی نادرست یک نوع جز ساکن دانش است. بنابراین، سوگیری خود انتسابی اشاره به سطح اطمینان بیش از حد دارد (فستینگر^{۱۸}، ۱۹۵۷؛ گاسلینگ^{۱۹} و همکاران، ۲۰۰۶).

مدیران در مواجهه با خطای پیش بینی سود واکنش‌های متفاوتی نشان می‌دهند به گونه ای که مدیران، دارای اطمینان بیش از حد بالا^{۲۰}، خطای پیش بینی سود را به عوامل خارجی و غیرقابل کنترل نسبت می‌دهند و انگیزه لازم برای شناسایی منابع اشتباهات قبلی و اصلاح آن‌ها را کمتر خواهند داشت. این امر منجر به در نظر نگرفتن بازخوردهای اصلاحی و واکنش به آن‌ها می‌شود. بنابراین، اطمینان بیش از حد بالا باعث تاثیر دقت کمتر در پیش بینی سود آتی خواهد داشت. بر این اساس، به طور خلاصه می‌توان بیان نمود که اطمینان بیش از حد مدیریتی ناشی از سوگیری خود انتسابی است. این عامل بر واکنش مدیران نسبت به اطلاعات حاصل از بازخوردهای اصلاحی مربوط به خطای پیش بینی سود تاثیر منفی می‌گذارد (چن و همکاران، ۲۰۱۴: ۶). از طرفی عوامل و شرایطی وجود دارند که می‌توانند بر رابطه بین تاثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر دقت پیش بینی سود تاثیر بگذارند. از جمله این عوامل می‌توان به خوشبینانه بودن پیش بینی سود سال گذشته اشاره کرد. از آنجایی که دقت پیش بینی سود به عنوان

نشانه‌ای از توانایی مدیران محسوب می‌شود. هر چه دقت پیش بینی سود بالاتر باشد، نشان از بالاتر بودن توانایی مدیریتی آن‌ها است. از سوی دیگر هر چه میزان خطای پیش بینی سود بالاتر باشد، موقعیت شغلی مدیران بیشتر به خطر می‌افتد و اعتبار شرکت در بازار سرمایه بیشتر دچار خدشه خواهد شد (الی^{۲۱} و همکاران، ۲۰۱۲). بنابراین، مدیران دارای انگیزه کافی برای کاهش خطای پیش بینی سود خواهند بود. برخی از پژوهش‌ها این نتیجه را مورد تردید قرار داده‌اند و بیان می‌کنند که خطای پیش بینی سود گذشته دارای تاثیرات گوناگونی است و این تاثیرات وابسته به ظرفیت خطا و خوشبینانه یا بدبینانه بودن آن است. معمولاً دو دلایل برای این مورد مطرح می‌شود. اولین دلیل این است که بازار خطای پیش بینی خوشبینانه را بیشتر از خطای پیش بینی بدبینانه جریمه می‌کند، زیرا خطای پیش بینی خوشبینانه سطح انتظارات بازار را برآورده نکرده است اما خطای پیش بینی بدبینانه حداقل انتظارات را برآورده کرده است (بارتوف^{۲۲} و همکاران، ۲۰۰۲). دومین دلیل را می‌توان در نظریه چشم انداز^{۲۳} جستجو کرد. در این نظریه رویدادهای منفی نسبت به رویدادهای مثبت نمود بیشتری دارند (کانمن و تورسکی، ۱۹۷۹؛ روزین و رویزمن^{۲۴}، ۲۰۰۱). این بدان معنا است که خطای پیش بینی خوشبینانه نسبت به خطای پیش بینی بدبینانه برجستگی بیشتری دارد. بنابراین، به‌طور کلی مدیران احساس فشار بیشتری در واکنش به بازخوردهای اصلاحی ناشی از خطای پیش بینی خوشبینانه قبلی می‌کنند.

در مورد خطای پیش بینی خوشبینانه، مدیران با سطح اطمینان بیش از حد پایین، مسئولیت بیشتری در این مورد می‌پذیرند و قدم‌های اساسی برای دقت در پیش بینی‌های آتی بر می‌دارند، اما مدیران با سطح اطمینان بیش از حد بالا، مسئولیت کمتری برای خود قایل هستند و گرایش به مقصر دانستن عوامل خارجی و غیرقابل کنترل دارند و قدم‌های کمتری در دقت پیش بینی‌های آتی بر می‌دارند. در مورد خطای پیش بینی بدبینانه فشار بازار بر شرکت کمتر است،

زیرا شرکت به حداقل پیش بینی قبلی خود رسیده است (چن و همکاران، ۲۰۱۴: ۶). یکی دیگر از عوامل موثر بر رابطه اطمینان بیش از حد مدیریتی و دقت پیش بینی سود می‌توان به تاثیرات محیطی بر سوگیری‌های خود انتسابی اشاره کرد. به عبارتی شرایطی وجود دارد که باعث تغییر میزان سوگیری‌های خود انتسابی و تغییر در سطح اطمینان بیش از حد مدیریتی می‌شود. این شرایط منجر به افزایش ارتباط منفی بین اطمینان بیش از حد مدیریتی و دقت پیش بینی سود می‌شود. دو مورد از این شرایط، افق زمانی و میزان آزادی عمل مدیران در محیط پیش بینی می‌باشد (چن و همکاران، ۲۰۱۴: ۸؛ فینکلستین و بوید^{۲۵}، ۱۹۹۸؛ همبریک و فینکلستین^{۲۶}، ۱۹۸۷).

اگر فاصله زمانی بین پیش بینی قبلی سود و انتشار سودهای واقعی کوتاه باشد، همه مدیران با هر سطح از اطمینان بیش از حد فرصت کمتری برای مقصر دانستن عوامل خارجی خواهند داشت و هر دو دسته از مدیران با اطمینان بیش از حد بالا و پایین میزان مسئولیت یکسانی دارند. بنابراین، انتظار می‌رود که میزان دقت پیش‌بینی سود در هر دو گروه از مدیران یکسان باشد. اگر فاصله زمانی بین پیش بینی قبلی و انتشار سودهای واقعی طولانی‌تر باشد، مدیران با اطمینان بیش از حد بالا فرصت کافی برای دلیل آوری خواهند داشت و از دلایل مربوط به عوامل خارجی برای توجیه خطاها استفاده خواهند نمود. بر این اساس بازخوردهای اصلاحی را نادیده می‌گیرند و دقت کمتری در پیش بینی سود ایجاد خواهند نمود. از سوی دیگر مدیران با اطمینان بیش از حد پایین به دلیل مسئولیت پذیر بودن از عوامل خارجی استفاده نمی‌کنند و اصلاحات بیشتری در رویه‌های پیش بینی خود و فرآیندهای مرتبط با آنها انجام خواهند داد. بنابراین، انتظار می‌رود دقت بیشتری نسبت به مدیران با اطمینان بیش از حد بالا برای این مدیران وجود داشته باشد (چن و همکاران، ۲۰۱۴: ۷).

در مورد میزان آزادی عمل مدیران باید بیان کرد که محیط‌های با آزادی عمل کمتر دارای تغییرات بسیار آرام و قابل پیش‌بینی، انتخاب‌های محدود و عدم اطمینان پایین می‌باشند. در مقابل، محیط‌های با آزادی عمل بالا دارای انتخاب‌های بسیار زیاد، فضای بدون محدودیت، عدم اطمینان زیاد و وجود ابهام بین اقدامات و خروجی‌ها می‌باشند. در محیط با آزادی عمل کمتر، سطح اطمینان بیش از حد مدیریتی اهمیتی ندارد، زیرا فرصت کمتری برای هر دو دسته مدیران وجود دارد که خطای در دقت پیش بینی سود را به عوامل خارجی نسبت دهند. بنابراین، سطح دقت در پیش بینی سود یکسان خواهد بود. در محیط با آزادی عمل بالا، مدیران با اطمینان بیش از حد بالا به آسانی می‌توانند خطاها را به عوامل خارجی نسبت دهند و بنابراین، این مدیران بازخوردهای اصلاحی حاصل از پیش بینی‌های نادرست قبلی را به پیش بینی‌های آتی متصل نمی‌کنند. مدیران با اطمینان بیش از حد کمتر، مسئولیت پذیرتر هستند و از

۷/ تاثیر معیارهای منتخب بر رابطه بین اطمینان بیش از حد مدیریتی و دقت پیش بینی سود

توجیه آوری کمتر استفاده می‌کنند. بنابراین مدل های پیش بینی خود را بیشتر تعدیل و دقت پیش بینی های بعدی خود را بهبود می‌بخشند (چن و همکاران، ۲۰۱۴ : ۸).

۲-۱- پیشینه پژوهش

دوئلمن^{۲۷} و همکاران (۲۰۱۵) نشان دادند که رابطه منفی بین اطمینان بیش از حد مدیریتی و حق الزحمه حسابرسی برای شرکت‌های با کمیته حسابرسی ضعیف وجود دارد و مدیران با اطمینان بیش از حد با احتمال کمتری از حسابرسان متخصص صنعت استفاده می‌کنند.

چن و همکاران (۲۰۱۴) با بررسی اطمینان بیش از حد مدیریتی و مقاومت شرکت در واکنش به بازخوردهای اصلاحی، دریافتند که اطمینان بیش از حد مدیریتی بر میزان دقت پیش‌بینی سود اثر منفی دارد. این اثر به وسیله خوشبینانه بودن خطای پیش بینی سود، افق زمانی طولانی‌تر و آزادی عمل مدیرعامل بیشتر می‌شود.

احمد و دوئلمن (۲۰۱۳) دریافتند که اطمینان بیش از حد مدیریتی با محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی ارتباط معکوس دارد و سازوکارهای حاکمیت شرکتی سبب کاهش تاثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر محافظه‌کاری نمی‌شود.

کرامر و لیو^{۲۸} (۲۰۱۲) به بررسی تاثیر اطمینان بیش از حد مدیران بر دیدگاه تحلیل‌گران پرداختند. نتایج نشان داد که تحلیل‌گران، سودهای شرکت‌هایی که دارای مدیران با اطمینان بیش از حد هستند را خوش بینانه پیش بینی می‌کنند. بدین صورت که تعداد دفعاتی که سود خالص بیش از میزان واقعی پیش بینی شده است، بیشتر از تعداد دفعاتی است که سود کمتر از میزان واقعی پیش بینی شده است.

رحمانی و حیاتی (۱۳۹۵) با بررسی تاثیر دقت برآوردی پیش بینی سود مدیران بر رانش پس از اعلان سود نشان دادند که ویژگی‌های پیش بینی سود به طور معنادار می‌تواند دقت واقعی پیش بینی سود مدیران را توضیح می‌دهد از طرفی سود غیر منتظره نمی‌تواند بازده‌های غیرعادی تعدیل شده را تبیین کند.

عرب‌صالحی و هاشمی (۱۳۹۴) در پژوهشی با بررسی تاثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی، به این نتیجه رسیدند که اطمینان بیش از حد در مدیران ارشد سبب افزایش اجتناب مالیاتی در فرآیند گزارشگری مالی می‌شود.

سبزعلی‌پور و همکاران (۱۳۹۳) با بررسی رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و دقت پیش بینی سود به این نتیجه رسیدند که بین درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره با دقت پیش بینی سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

فروغی و نخبه‌فلاح (۱۳۹۳) تاثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که اطمینان بیش از حد مدیریتی بر محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی تاثیر منفی و معنی‌دار دارد.

کاظمی نوری (۱۳۹۱) در خصوص تاثیر هزینه‌های نمایندگی و ذخایر نقدی بر رابطه میان اطمینان بیش از حد مدیران و حساسیت سرمایه‌گذاری-جریان‌های نقدی به این نتیجه رسید که اطمینان بیش از حد مدیران باعث افزایش حساسیت سرمایه‌گذاری-جریان‌های نقدی شده و همچنین میزان ذخایر نقدی و هزینه‌های نمایندگی شرکت باعث افزایش تاثیر اطمینان بیش از حد مدیران ارشد بر حساسیت سرمایه‌گذاری-جریان‌های نقدی شده، ولی تاثیر ذخایر نقدی معنی‌دار نبوده است.

لطفی و حاجی‌پور (۱۳۸۹) با بررسی تاثیر محافظه‌کاری بر خطای پیش بینی سود به این نتیجه رسیدند که در شرکت‌هایی که حسابداری محافظه‌کارانه‌تری دارند، خطای مدیریت در پیش بینی سود کمتر است.

نمازی و شمس‌الدینی (۱۳۸۶) در زمینه بررسی سازه‌های موثر بر دقت پیش بینی سود توسط مدیریت به این نتیجه رسیدند که بین رشد سود، رشد فروش، رشد دارایی‌ها، سود پیش بینی شده گذشته، اهرم مالی و قیمت سهام با دقت پیش بینی سود رابطه وجود دارد؛ اما بین سود سهام پرداختی و اندازه شرکت با دقت پیش بینی سود رابطه‌ای وجود ندارد.

با توجه به مبانی نظری و بررسی پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که در ایران پژوهشی به طور مستقیم تاثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر دقت پیش‌بینی سود و همچنین تاثیر عوامل موثر بر این رابطه از جمله خوشبینانه بودن پیش‌بینی سود سال گذشته، افق زمانی و اختیار مدیریتی را مورد بررسی قرار نداده است. از آنجایی که پیش‌بینی سود مدیران دارای بار و محتوای اطلاعاتی است و به عنوان یکی از منابع اطلاعاتی محسوب می‌شود از این رو انجام

پژوهش بیشتر در زمینه پیش بینی سود احساس می‌شود. بنابراین با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به این شرح تدوین شده است:

- ۱- اطمینان بیش از حد مدیریتی بر دقت پیش بینی سود تاثیر منفی دارد.
- ۲- خوشبینانه بودن پیش بینی سود سال گذشته بر رابطه بین اطمینان بیش از حد مدیریتی و دقت پیش بینی سود تاثیر منفی دارد.
- ۳- افق زمانی بر رابطه بین اطمینان بیش از حد مدیریتی و دقت پیش بینی سود تاثیر منفی دارد.
- ۴- اختیار مدیریتی بر رابطه بین اطمینان بیش از حد مدیریتی و دقت پیش بینی سود تاثیر منفی دارد.

۳- روش پژوهش

از آنجایی که نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند در فرآیند تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار گیرد، پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کاربردی است. همچنین پژوهش حاضر از لحاظ روش نیز در زمره پژوهش‌های توصیفی-همبستگی می‌باشد. داده‌های مورد نیاز برای اندازه‌گیری متغیرها نیز از طریق نرم‌افزار اطلاعاتی رهاورد نوین و صورت‌های مالی موجود در آرشیو سایت بورس اوراق بهادار تهران و سایت کدال جمع‌آوری شده است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. با استفاده از روش نمونه‌گیری حذفی سیستماتیک شرکت‌هایی به عنوان اعضای نهایی نمونه آماری انتخاب شده‌اند که واجد تمامی شرایط زیر بوده باشند:

- ۱- شرکت‌ها قبل از سال ۸۴ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
- ۲- به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد.

- ۳- طی بازه زمانی پژوهش، سال مالی خود را تغییر نداده باشند.
- ۴- معاملات سهام شرکت طی دوره پژوهش، بیش از ۶ ماه در بورس اوراق بهادار تهران متوقف نشده باشد.
- ۵- جزو شرکت‌های واسطه‌گری مالی، بیمه، سرمایه‌گذاری و هلدینگ نباشند.
- با اعمال شرایط بالا ۱۰۸ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۴ به عنوان اعضای نهایی نمونه آماری انتخاب شدند.

مدل پژوهش

برای آزمون فرضیه اول به پیروی از پژوهش چن و همکاران (۲۰۱۴) از رگرسیون چند متغیره و داده‌های ترکیبی به شرح مدل (۱) استفاده شده است. برای آزمون فرضیه اول از ضریب β_1 استفاده می‌شود. چنانچه این ضریب منفی و معنی‌دار باشد، فرضیه اول رد نخواهد شد.

$$IFMA_{it} = \beta_0 + \beta_1 OverCon_{it} + \beta_2 Duality_{it} + \beta_3 Tenure_{it} + \beta_4 ODR_{it} + \beta_5 SIZE_{it} + \beta_6 SALEGR_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \beta_8 NMF_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

برای آزمون فرضیه دوم تا چهارم به پیروی از پژوهش چن و همکاران (۲۰۱۴) مدل‌های (۲) تا (۴) برآورد می‌شود. برای آزمون فرضیه دوم، سوم و چهارم از ضریب β_2 استفاده می‌شود. چنانچه این ضریب منفی و معنی‌دار باشد، فرضیه دوم، سوم و چهارم رد نخواهند شد.

$$IFMA_{it} = \beta_0 + \beta_1 OverCon_{it} + \beta_2 OverCon_{it} * PFO_{it-1} + \beta_3 Duality_{it} + \beta_4 Tenure_{it} + \beta_5 ODR_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 SALEGR_{it} + \beta_8 ROA_{it} + \beta_9 NMF_{it} + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

$$IFMA_{it} = \beta_0 + \beta_1 OverCon_{it} + \beta_2 OverCon_{it} * TH_{it-1} + \beta_3 Duality_{it} + \beta_4 Tenure_{it} + \beta_5 ODR_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 SALEGR_{it} + \beta_8 ROA_{it} + \beta_9 NMF_{it} + \varepsilon_{it} \quad (-3)$$

$$IFMA_{it} = \beta_0 + \beta_1 OverCon_{it} + \beta_2 OverCon_{it} * MD_{it} + \beta_3 Duality_{it} + \beta_4 Tenure_{it} + \beta_5 ODR_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 SALEGR_{it} + \beta_8 ROA_{it} + \beta_9 NMF_{it} + \varepsilon_{it} \quad (4)$$

معرفی متغیرها و نحوه اندازه‌گیری آن‌ها

دقت پیش بینی سود ($IMFA_{it}$): برای اندازه‌گیری این متغیر ابتدا خطای پیش بینی سود به پیروی از چن و همکاران (۲۰۱۴) و فنگ^{۲۹} و همکاران (۲۰۰۹) به شرح رابطه (۱) به دست می‌آید:

$$MFE_{it} = \frac{|AE_{it} - FE_{it}|}{SP_{it-1}} \quad (1)$$

که در این رابطه، MFE_{it} ، خطای پیش بینی سود شرکت i در سال t ، AE_{it} ، سود واقعی شرکت i در سال t ، FE_{it} ، سود پیش بینی شده شرکت i در سال t است. سود پیش بینی شده شرکت در رابطه فوق، اولین سود پیش بینی شده حسابرسی شده شرکت است. SP_{it-1} ، ارزش بازار سهام شرکت i در پایان سال $t-1$ است.

۱۱/ تاثیر معیارهای منتخب بر رابطه بین اطمینان بیش از حد مدیریتی و دقت پیش بینی سود

پس از محاسبه خطای پیش بینی سود به شرح رابطه (۱)، دقت پیش بینی سود به شرح رابطه (۲) به پیروی از چن و همکاران (۲۰۱۴) به دست می آید.

$$IMFA_{it} = (MFE_{it} - MFE_{it-1}) * -1 \quad (2)$$

که در این رابطه، $IMFA_{it}$ ، دقت پیش بینی سود شرکت i در سال t است. اطمینان بیش از حد مدیریتی ($OverCon_{it}$): این متغیر، یک متغیر مجازی می باشد. برای اندازه گیری اطمینان بیش از حد مدیریتی با پیروی از فروغی و نخبه فلاح (۱۳۹۳) و احمد و دوئل من (۲۰۱۳) از معیار زیر استفاده شده است.

نسبت مخارج سرمایه ای (C/A_{it}): این نسبت از رابطه (۳) به دست می آید.

$$C/A_{it} = \frac{C.E_{it}}{TA_{it-1}} \quad (3)$$

که در این رابطه، $C.E_{it}$ ، مخارج سرمایه ای شرکت i در سال t ، TA_{it-1} ، کل دارایی شرکت i در پایان سال $t-1$ است. مخارج سرمایه ای از تفاوت خالص ارزش دفتری دارایی های ثابت در ابتدا و پایان دوره به علاوه هزینه استهلاک محاسبه شده است.

در صورتی که نسبت مخارج سرمایه ای شرکت i در سال t بیشتر از میانه نسبت مخارج سرمایه ای شرکت های عضو صنعت مربوطه باشد، متغیر اطمینان بیش از حد مدیریتی براساس این معیار عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر را اختیار می کند.

خوشبینانه بودن پیش بینی سود سال قبل (PFO_{it-1}): یک متغیر مجازی است و در صورتی که سود پیش بینی شده در پایان سال $t-1$ بزرگ تر از سود واقعی باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر را اختیار می کند.

افق زمانی (TH_{it-1}): برای اندازه گیری این متغیر ابتدا تعداد روزهای بین تاریخ پیش بینی سود سال $t-1$ و پایان دوره مالی (۲۹ اسفند ماه) محاسبه می شود. سپس از عدد به دست آمده

لگاریتم طبیعی گرفته می‌شود. هر چه پیش بینی زودتر منتشر شده باشد، افق زمانی طولانی‌تر خواهد بود.

اختیار مدیریتی (MD_{it}): برای اندازه‌گیری اختیار مدیریتی از یک متغیر ترکیبی استفاده شده است. برای محاسبه این متغیر ترکیبی از سه متغیر در سطح صنعت استفاده شده است. این سه متغیر عبارتند از:

۱- شدت سرمایه‌گذاری^{۳۰} (CI_{it}): براساس پژوهش همبریک و آبراهامسون^{۳۱} (۱۹۹۵) از نسبت ارزش دفتری دارائی‌های ثابت صنعت مربوطه بر تعداد کارکنان آن صنعت به دست آمده است. هر چه شدت سرمایه‌گذاری بیشتر باشد، اختیار مدیریتی کمتر خواهد بود.

۲- بخشندگی بازار^{۳۲} (MM_{it}): براساس لی و تانگ^{۳۳} (۲۰۱۰) برابر با میانگین رشد فروش صنعت مربوطه در طی پنج سال گذشته است. هر چه بخشش بازار بزرگتر باشد، اختیار مدیریتی بیشتر خواهد بود.

۳- تمرکز صنعت^{۳۴} (MC_{it}): که از طریق شاخص هیرشمن و هیرفندال در سطح صنعت به دست آمده است. شاخص هیرشمن و هیرفندال از طریق رابطه (۴) به دست آمده است:

$$HHI_{it} = \sum_{i=1}^{N_j} S_{i,j}^2 \quad (4)$$

که در این رابطه، $S_{i,j}^2$ سهم شرکت i در صنعت است و N_j تعداد صنایع موجود در بازار می‌باشد. سهم صنعت هر شرکت از نسبت فروش آن شرکت در سال t به کل فروش صنعت برای سال t به دست می‌آید و سپس سهم‌های صنعت هر شرکت در هر سال به توان دو می‌رسد. هر چه معکوس علامت ارزش شاخص محاسبه شده بیشتر باشد، نشان دهنده سطح اختیار بیشتر است از این رو این معیار در عدد (-۱) ضرب می‌شود.

پس از محاسبه سه متغیر بالا، داده‌های هرکدام از متغیرها استاندارد می‌شود که در استانداردسازی داده‌های این سه متغیر از میانگین و انحراف معیار سه سال گذشته استفاده شده است. براساس ارتباط هرکدام از این متغیرها با اختیار مدیریتی، متغیر اختیار مدیریتی (MD_{it})، با استفاده از رابطه (۵) به دست آمده است.

$$MD_{it} = MM_{it} - MC_{it} - CI_{it} \quad (5)$$

متغیرهای کنترلی این پژوهش به پیروی از چن و همکاران (۲۰۱۴) به شرح زیر می‌باشند:
دوگانگی وظیفه مدیرعامل ($Duality_{it}$): یک متغیر مجازی است و در صورتی که مدیرعامل رئیس هیات‌مدیره باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر را اختیار می‌کند.
دوره تصدی مدیرعامل ($Tenure_{it}$): برابر است با تعداد سال‌های تصدی مدیرعامل.
اندازه شرکت ($SIZE_{it}$): برابر است با لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت.
رشد فروش ($SALEGR_{it}$): برابر است با رشد فروش شرکت i در سال t نسبت به سال $t-1$.

۱۳/ تاثیر معیارهای منتخب بر رابطه بین اطمینان بیش از حد مدیریتی و دقت پیش بینی سود

نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره (ODR_{it}): از تقسیم تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره بر تعداد کل اعضای هیات مدیره به دست می آید.
 بازده فروش (ROS_{it}): از نسبت درآمد فروش به کل داراییها به دست می آید.
 تعداد پیش بینی های سود منتشر شده (NMF_{it}): برابر است با تعداد پیش بینی های سود منتشر شده توسط شرکت i در سال t است.

۴- یافته های پژوهش

در این قسمت ابتدا آمار توصیفی و سپس نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها ارائه می شود.
 آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	عنوان	نماد	میانگین				
			میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
دقت پیش بینی سود		$IMFA_{it}$	-۰/۰۰۹	-۰/۰۰۳	۱/۹۴۸	-۱/۹۶۸	۰/۲۷۱
افق زمانی		TH_{it-1}	۵/۹۰	۵/۹۶۳	۶/۰۹۵	۴/۰۹۴	۰/۱۹۲
اختیار مدیریتی		MD_{it}	-۰/۹۰۴	-۰/۷۷۸	۲/۸۲۶	-۴/۱۲۲	۱/۴۵۴
دوره تصدی مدیرعامل		$Tenure_{it}$	۳/۷۲۶	۳/۰۰۰	۱۶/۰۰۰	۱/۰۰۰	۲/۹۸۶
اندازه شرکت		$SIZE_{it}$	۱۳/۸۰۷	۱۳/۶۵۳	۱۸/۶۱۲	۱۱/۰۳۵	۱/۲۷۸
رشد فروش		$SALEGR_{it}$	۰/۱۵۶	۰/۱۴۰	۱/۴۷	-۰/۵۵	۰/۳۰۱
بازده فروش		ROS_{it}	۰/۷۹۹	۰/۷۷۴	۱/۴۳۰	۰/۳۷۸	۰/۲۴۲
نسبت اعضا غیرموظف هیات مدیره		ODR_{it}	۰/۶۵۵	۰/۶۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۹۸
تعداد پیش بینی های سود منتشر شده		NMF_{it}	۵/۷۸۱	۶/۰۰۰	۸/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۱۵۲

در جدول (۱) میانگین متغیر دقت پیش بینی سود منفی (-۰/۰۰۹) است که نشان دهنده کاهش دقت پیش بینی سود در بین شرکت های عضو نمونه است. از طرفی همچنین، میانگین افق

زمانی ۳۶۵ روز (لگاریتم طبیعی ۵/۹) می‌باشد که نشان از فاصله یکساله بین پیش بینی سود و زمان انتشار گزارشات سالانه شرکت‌ها را دارد. میانگین اختیار مدیریتی (۰/۹۰۴-) می‌باشد که نشان می‌دهد به طور میانگین مدیران از اختیار عمل بالایی برخوردار نیستند. دوره تصدی مدیرعامل در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس حداکثر ۱۶ و حداقل ۳ سال می‌باشد. اندازه شرکت به طور میانگین ۱۳/۸۰۷ که نزدیک به مقدار میانه آن می‌باشد و رشد فروش شرکت به طور میانگین ۰/۱۵۶ و بازده فروش به طور میانگین ۰/۷۹۹ می‌باشد. همچنین در ساختار هیات مدیره، نسبت اعضای غیرموظف به طور میانگین ۰/۶۵۵ می‌باشد یعنی به طور متوسط ۳ نفر از اعضای هیات مدیره غیرموظف هستند. همچنین شرکت‌ها به طور متوسط ۵ بار اقدام به پیش بینی سود می‌کنند. از این رو نزدیک بودن مقادیر میانگین و میانه در جدول (۱) بیانگر این است که متغیرهای پژوهش از توزیع مناسبی برخوردار بوده و با توجه به اینکه انحراف معیار هیچ‌کدام صفر نمی‌باشد، از این رو می‌توان از آن‌ها در مدل رگرسیونی استفاده کرد.

نتایج آزمون فرضیه‌ها

در این پژوهش برای تعیین نوع داده‌های ترکیبی از آزمون F لیمر استفاده شد و مشخص گردید که داده‌ها از نوع تلفیقی هستند. قبل از اینکه نتایج حاصل از برآورد این مدل‌ها ارائه شود، مفروضات رگرسیون خطی کلاسیک بررسی شده است. براساس نتایج حاصل از بررسی مفروضات رگرسیون خطی کلاسیک فرض همسانی واریانس و عدم خودهمبستگی رد شدند و برای رفع آن‌ها از روش حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها و برآورد مدل‌های پژوهش جهت آزمون فرضیه‌ها در جدول (۲) و (۳) ارائه شده است.

جدول (۲): نتایج حاصل از برآورد مدل‌های (۱) و (۲) پژوهش

فرضیه دوم		فرضیه اول		متغیر	نام متغیر
p-value	ضریب	p-value	ضریب	نماد	
۰/۰۰۲	-۰/۰۶۶	۰/۰۰۰	-۰/۰۸۳	β_0	عرض از مبدا
۰/۰۰۴	-۰/۰۱۲	۰/۰۰۰	-۰/۰۱۳	OverCon _{it}	اطمینان بیش از حد
۰/۰۲۵	-۰/۰۱۵			OverCon _{it} *PFO _{it-1}	
۰/۰۹۸	۰/۰۰۵	۰/۰۶۶	۰/۰۰۶	Duality _{it}	دوگانگی وظیفه مدیرعامل
۰/۰۰۸	۰/۰۰۱	۰/۰۴۲	۰/۰۰۱	Tenure _{it}	دوره تصدی مدیرعامل
۰/۰۰۸	-۰/۰۲۱	۰/۰۳۲	۰/۰۱۷	ODR _{it}	نسبت اعضا غیرموظف هیات مدیره
۰/۰۲۸	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	SIZE _{it}	اندازه شرکت
۰/۰۰۰	-۰/۰۴۱	۰/۰۰۰	-۰/۰۴۱	SALEGR _{it}	رشد فروش
۰/۰۰۰	۰/۰۱۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱۰	ROS _{it}	بازده فروش
۰/۰۰۰	۰/۰۰۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸	NMF _{it}	تعداد پیش بینی‌های سود منتشر شده

۱۵/ تاثیر معیارهای منتخب بر رابطه بین اطمینان بیش از حد مدیریتی و دقت پیش بینی سود

۰/۳۱۰	۰/۳۳۷	ضریب تعیین تعدیل شده
(۰/۰۰۰)۲۶/۶۶۶	(۰/۰۰۰)۳۳/۹۶۳	آماره F (p-value)

جدول (۳): نتایج حاصل از برآورد مدل‌های (۳) و (۴) پژوهش

فرضیه چهارم		فرضیه سوم		متغیر	نام متغیر
p-value	ضریب	p-value	ضریب	نماد	
۰/۰۰۰	-۰/۰۷۱	۰/۰۰۰	-۰/۰۹۶	β_0	عرض از مبدا
۰/۰۰۰	-۰/۰۲۱	۰/۰۱۱	-۰/۴۳۰	OverCon _{it}	اطمینان بیش از حد
		۰/۰۱۴	۰/۰۷۰	OverCon _{it} *TH _{it-1}	
۰/۰۰۲	-۰/۰۰۷			OverCon _{it} *MD _{it}	
۰/۰۰۶	۰/۰۰۸	۰/۰۱۵	۰/۰۰۸	Duality _{it}	دوگانگی وظیفه مدیرعامل
۰/۰۰۷	۰/۰۰۱	۰/۰۰۶	۰/۰۰۱	Tenure _{it}	دوره تصدی مدیرعامل
۰/۰۰۷	-۰/۰۲۴	۰/۰۵۷	-۰/۰۱۶	ODR _{it}	نسبت اعضا غیرموظف هیات مدیره
۰/۰۰۴	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	SIZE _{it}	اندازه شرکت
۰/۰۰۱	-۰/۰۳۵	۰/۰۰۰	-۰/۰۴۲	SALEGR _{it}	رشد فروش
۰/۰۳۱	۰/۰۲۸	۰/۰۰۰	۰/۰۱۳	ROS _{it}	بازده فروش
۰/۰۰۰	۰/۰۰۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸	NMF _{it}	تعدادپیش بینی‌های سود منتشر شده
۰/۴۲۹		۰/۳۱۱		ضریب تعیین تعدیل شده	
(۰/۰۰۰)۴۳/۹۷۳		(۰/۰۰۰)۲۷/۰۴۱		آماره F (p-value)	

نتایج منعکس در جدول (۲) در مورد آزمون فرضیه اول نشان می‌دهد که ضریب اطمینان بیش از حد مدیریتی برابر با (-۰/۰۱۳) است و سطح معناداری p-value برای این ضریب برابر با (۰/۰۰۰) است و کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ می‌باشد از این رو نتیجه‌گیری می‌شود که اطمینان بیش از حد مدیریتی بر دقت پیش بینی سود تاثیر منفی و معنی‌دار دارد. همچنین، متغیرهای دوره تصدی مدیرعامل، نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره، اندازه شرکت، رشد فروش

شرکت و بازده فروش در سطح خطای ۵ درصد بر متغیر دقت پیش بینی سود تاثیر معناداری دارند، ولی متغیر دوگانگی وظیفه مدیرعامل تاثیر معناداری ندارد. علاوه بر این نیز، ۳۳/۷ درصد از تغییرات متغیر دقت پیش بینی سود توسط تغییرات متغیرهای توضیحی مدل توضیح داده می شود. بنابراین با توجه به نتایج جدول (۲)، فرضیه اول پژوهش مبنی بر اینکه «اطمینان بیش از حد مدیریتی بر دقت پیش بینی سود تاثیر منفی دارد» در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد نمی شود.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم نیز نشان می دهد ضریب متغیر $OverCon_{it} * PFO_{it-1}$ برابر با $(-0/015)$ است و سطح معناداری p-value برای این ضریب برابر با $(0/025)$ است و کمتر از سطح خطای $0/05$ می باشد از این رو نتیجه گیری می شود که خوشبینانه بودن پیش بینی سود سال گذشته بر رابطه بین اطمینان بیش از حد مدیریتی و دقت پیش بینی سود تاثیر منفی و معنی دار دارد. علاوه بر این، ۳۱ درصد از تغییرات متغیر دقت پیش بینی سود توسط تغییرات متغیرهای توضیحی مدل توضیح داده می شود. بنابراین با توجه به نتایج جدول (۲)، فرضیه دوم پژوهش مبنی بر اینکه "خوشبینانه بودن پیش بینی سود سال گذشته بر رابطه بین اطمینان بیش از حد مدیریتی و دقت پیش بینی سود تاثیر منفی دارد" در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد نمی شود.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم نشان می دهد که ضریب متغیر $OverCon_{it} * TH_{it-1}$ برابر با $(0/070)$ است و سطح معناداری p-value برای این ضریب برابر با $(0/014)$ است و کمتر از سطح خطای $0/05$ می باشد از این رو نتیجه گیری می شود که افق زمانی بر رابطه بین اطمینان بیش از حد مدیریتی و دقت پیش بینی سود تاثیر مثبت و معنی دار دارد. همچنین ۳۱ درصد از تغییرات متغیر دقت پیش بینی سود توسط تغییرات متغیرهای توضیحی مدل توضیح داده می شود. بنابراین با توجه به نتایج جدول (۳)، فرضیه سوم پژوهش مبنی بر اینکه «افق زمانی بر رابطه بین اطمینان بیش از حد مدیریتی و دقت پیش بینی سود تاثیر منفی دارد» در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود.

در نهایت، نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم نشان می دهد که ضریب متغیر $OverCon_{it} * MD_{it}$ برابر با $(-0/007)$ است و سطح معناداری p-value برای این ضریب برابر با $(0/002)$ است و کمتر از سطح خطای $0/05$ می باشد از این رو نتیجه گیری می شود که اختیار مدیریتی بر رابطه بین اطمینان بیش از حد مدیریتی و دقت پیش بینی سود تاثیر منفی و معنی دار دارد. علاوه بر این ۴۲/۹ درصد از تغییرات متغیر دقت پیش بینی سود توسط تغییرات متغیرهای توضیحی مدل توضیح داده می شود. بنابراین با توجه به نتایج جدول (۳)، فرضیه چهارم پژوهش مبنی بر اینکه «اختیار مدیریتی بر رابطه بین اطمینان بیش از حد مدیریتی و دقت پیش بینی سود تاثیر منفی دارد» در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد نمی شود.

۵- نتیجه گیری

مدیران شرکت‌ها همواره در حال تصمیم‌گیری برای شرکت در سطح استراتژیک و عملیاتی هستند و در اغلب موارد در اتخاذ تصمیمات خود منجر به اشتباهاتی می‌شوند. این تکرار اشتباه‌ها در اجرای تصمیمات مدیران دارای نتایجی است و این نتایج به مدیران شرکت بازخورد می‌دهد. برخی از این بازخوردها حمایت‌کننده نتایج و برخی از آنها اصلاحی هستند. یکی از تصمیمات مدیران در خصوص پیش بینی سود است. در صورتی‌که بین پیش بینی سود و سود واقعی اختلافی ایجاد شود، این مورد به مدیران شرکت بازخورد اصلاحی می‌دهد و مدیران با استفاده از این بازخوردها سعی در دقت پیش بینی‌های سال‌های آتی خود خواهند داشت. اما نحوه برخورد با این بازخوردهای اصلاحی بین مدیران متفاوت خواهد بود. یکی از دلایل این مورد اطمینان بیش از حد آنها است. مدیران با اطمینان بیش از حد بالا، خطا در دقت پیش بینی سود را به عوامل خارجی نسبت می‌دهند و این مورد در برخی از زمینه‌ها مانند خوش بینانه یا بدبینانه بودن سود سال قبل، طولانی‌تر بودن افق زمانی پیش بینی و محیط با آزادی عمل بالاتر نمود بیشتری دارد. بر این اساس، چهار فرضیه تدوین شد. فرضیه اول مبنی بر اثر منفی و معنی‌دار اطمینان بیش از حد بر دقت پیش بینی سود، رد نشد. این به معنای این است که مدیران با سطح اطمینان بیش از حد بالا در صورت ایجاد خطا در پیش بینی سود آن‌را به عوامل خارجی نسبت می‌دهند و انگیزه لازم برای کشف منابع اشتباه و استفاده از اطلاعات حاصل از بازخوردهای اصلاحی در تصمیمات مربوط به پیش بینی سود را ندارند. بنابراین، احتمال دقت پیش‌بینی سود کمتر صورت می‌گیرد. این نتیجه با یافته‌های چن و همکاران (۲۰۱۴)، کرامر و لیو (۲۰۱۲) و لطفی و حاجی پور (۱۳۸۹) مطابقت دارد.

فرضیه دوم مبنی بر اینکه خوشبینانه بودن پیش بینی سود سال قبل باعث منفی تر شدن این رابطه می شود، رد نشد به این به معنا که خوشبینانه بودن پیش بینی سود سال گذشته اختلاف معنی داری بین میزان دقت پیش بینی سود در بین مدیران با اطمینان بیش از حد بالا و مدیران با اطمینان بیش از حد پایین ایجاد می کند. به عبارتی اگر سود پیش بینی شده سال قبل بیشتر از سود واقعی باشد، مدیران با اطمینان بیش از حد تلاشی در جهت دقت پیش بینی سود به عمل نمی آورند در واقع، این مورد باعث پشتیبانی از نظریه چشم انداز در این زمینه می شود و همچنین نتایج این پژوهش با نتایج چن و همکاران (۲۰۱۴) مطابقت دارد.

فرضیه سوم مبنی بر اینکه افق زمانی باعث منفی تر شدن این رابطه می شود، رد شد این به معنای این است که هر چه افق زمانی بین پیش بینی سود سال گذشته و انتشار سود واقعی بیشتر باشد، مدیران عامل با سطح اطمینان بیش از حد بالا به بازخوردهای اصلاحی توجه می کنند و بهبود ایجاد شده در پیش بینی سود آتی آنها بیشتر است و با یافته های چن و همکاران (۲۰۱۴) مطابقت ندارد.

فرضیه چهارم در خصوص اینکه اختیار مدیریتی باعث منفی تر شدن این رابطه می شود، رد نشد. این به معنای این است که در محیط با آزادی عمل بالا، مدیران عامل با سطح اطمینان بیش از حد بالا در صورت ایجاد خطا در دقت پیش بینی سود آنها با توجه به شرایط حاکم بر محیط با آزادی عمل بالا (ابهام بیشتر بین اقدامات و نتایج، تغییرات غیرمنتظره و انتخاب های نامحدود) به عوامل خارجی نسبت می دهند، مسئولیت کمتری قبول می کنند و بازخوردهای اصلاحی حاصل از پیش بینی های نادرست قبلی را به پیش بینی های آتی مرتبط نمی کنند. بنابراین، دقت پیش بینی سود آنها کاهش می یابد و با یافته های چن و همکاران (۲۰۱۴) مطابقت دارد.

با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول این پژوهش مبنی بر تاثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر دقت پیش بینی سود به مدیران پیشنهاد می شود که به بازخوردهای اصلاحی حاصل از خطای پیش بینی سود توجه کنند و آنها را در تصمیمات پیش بینی سود آتی خود لحاظ کرده تا بتوانند اعتبار و حقوق و مزایای خود را حفظ نمایند.

همچنین براساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم و چهارم مبنی بر تاثیر افق زمانی و اختیار مدیریتی بر رابطه بین تاثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر دقت پیش بینی سود، مشارکت کنندگان بازار سرمایه پیشنهاد می شود که در مورد تصمیمات خود براساس سود پیش بینی شده شرکت ها به افق زمانی سود، دقت کافی نمایند. همچنین، با توجه به اینکه رابطه منفی بین اطمینان بیش از حد مدیریتی و دقت پیش بینی سود در محیط با آزادی عمل بالا افزایش می یابد در تصمیمات خود به میزان پیش بینی پذیری محیط عملیاتی صنایع شرکت ها نیز توجه نمایند.

و از آنجایی که در این پژوهش از دقت پیش بینی سود سالانه استفاده شده و با توجه به تاثیر افق‌های زمانی بر نتایج این پژوهش از این رو پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران در پژوهش‌های آتی خود پیش بینی‌های سود فصلی را مورد آزمون قرار دهند. از طرفی تصمیمات دیگری در شرکت از قبیل تحصیل دارائی‌های سرمایه‌ای، تصمیمات تامین مالی و تصمیمات مالیاتی توسط مدیران گرفته می‌شود و این قبیل موارد نیز دارای نتایجی هستند که دارای بازخوردهای حمایتی و اصلاحی اند، پیشنهاد می‌شود که اثر اطمینان بیش از حد مدیریتی نیز بر این موارد بررسی شود.

یادداشت‌ها

- | | |
|----------------------------------|------------------------------|
| 1- Supporting Feedback | 18- Festinger |
| 2- Koys | 19- Gosling |
| 3- Corrective Feedback | 20- Overconfident Managers |
| 4- Baron | 21- Lee |
| 5- Voreacos | 22- Bartov |
| 6- CEO's level of overconfidence | 23- Prospect Theory |
| 7- Optimistic | 24- Rozin and Royzman |
| 8- Better-Than-Average Effect | 25- Finkelstein and Boyd |
| 9- Miscalibration Effect | 26- Hambrick and Finkelstein |
| 10- Chen | 27- Duellman |
| 11- Wen | 28- Kramer and Liao |
| 12- Self Attribution Bias | 29- Feng |
| 13- Kahneman And Tversky | 30- Capital Intensity |
| 14- Larwood And Whittaker | 31- Abrahamson |
| 15- Svenson | 32- Market Munificence |
| 16- Cognitive Dissonance | 33- Li And Tang |
| 17- Consonant Cognitive Element | 34- Market Concentration |

کتابنامه

۱. حافظ نیا، محمد رضا. (۱۳۸۲). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، چاپ هشتم، تهران، انتشارات سمت.
۲. خاکی، غلامرضا. (۱۳۸۷). *روش تحقیق در مدیریت تهران*. مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
۳. رحمانی، علی و نهاله حیاتی. (۱۳۹۵). تاثیر دقت برآوردی پیش بینی سود مدیران بر رانش پس از اعلان سود. *مجله دانش حسابداری*، ۷(۳۴): ۷-۴۰.
۴. سبزعلی‌پور، فرشاد، قیطاسی، روح‌اله و سلمان رحمتی. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین سازوکارهای حاکمیت‌شرکتی و دقت پیش‌بینی سود. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۴(۲): ۱۲۳-۱۴۰.
۵. عرب‌صالحی، مهدی و مجید هاشمی. (۱۳۹۴). تاثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۲(۷۹): ۸۵-۱۰۴.
۶. فروغی، داریوش و زهرا نخبه فلاح. (۱۳۹۳). تاثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی. *فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۶(۱): ۲۷-۴۴.
۷. کاظمی‌نوری، سپیده. (۱۳۹۱). تاثیر هزینه‌های نمایندگی و ذخایر نقدی بر رابطه میان اعتماد به نفس بیش از حد مدیران ارشد و حساسیت سرمایه‌گذاری-جریان‌های نقدی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه اصفهان.
۸. کامیابی، یحیی، بوژ مهرانی، احسان و فاضل نادری پلنگی. (۱۳۹۴). خطای پیش‌بینی سود، معاملات با اشخاص وابسته و نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره. *فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۴۳: ۱۳۵-۱۵۱.
۹. لطفی، احمد و میثم حاجی پور. (۱۳۸۹). تاثیر محافظه‌کاری بر خطای مدیریت در پیش‌بینی سود. *مجله حسابداری مدیریت*، ۳(۴): ۱۷-۳۳.
۱۰. نمازی، محمد و کاظم شمس‌الدینی. (۱۳۸۶). بررسی سازه‌های موثر بر دقت پیش‌بینی سود توسط مدیریت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله توسعه و سرمایه*، ۱(۱): ۱-۲۵.
۱۱. خلیفه سلطانی، سید احمد، ملانظری، مهناز و سجاد دل‌پاک. (۱۳۸۹). ارتباط خطای پیش‌بینی سود مدیریت و اقلام تعهدی. *مجله دانش حسابداری*، ۱(۳): ۵۹-۷۶.

13. Anderson AK, Phelps EA. (2001). Lesions of the human amygdala impair enhanced perception of emotionally salient events. *Nature* 411: 304-309.
14. Baron J, Hannan, MT, Burton, MD. (2001). "Labor pains: Change in organizational models and employee turnover in young, high-tech firms". *American Journal of Sociology* 106: 960-1012.
15. Bartov, E, Givoly, D, Hayn, C. (2002). "The rewards to meeting or beating earnings expectations". *Journal of Accounting and Economics* 33: 173-204.
16. Chen, G. Crossland, C, Luo, S. (2014). "Making the Same Mistake All Over Again: CEO Overconfidence and Corporate Resistance to Corrective Feedback". *Strategic Management Journal*.
17. Cotter, J, Tuna, I, Wysocki, P. (2006). "Expectations management and beatable targets: How do analysts react to explicit earnings guidance?" *Contemporary Accounting Research* 23: 593-624.
18. Duellman, S. Hurwitz, H. Sun, y. (2015). "Managerial Overconfidence and Audit Fees". *Journal of Contemporary Accounting & Economics*. 11(2): 148-165.
19. Feng M, Li C, McVay S. (2009). "Internal control and management guidance". *Journal of Accounting and Economics* 48: 190-209.
20. Festinger, L. (1957). "A Theory of Cognitive Dissonance". *Stanford University Press: Stanford, CA*.
21. Finkelstein, S, Boyd, B, K. (1998). "How much does the CEO matter? The role of managerial discretion in the setting of CEO compensation". *Academy of Management Journal* 41: 179-199.
22. Gosling, P, Denizeau, M, Oberle, D.(2006). "Denial of responsibility: A new mode of dissonance resolution". *Journal of Personality and Social Psychology* 90:722-733.
23. Graham, J, Harvey, C, Rajgopal, S. (2005). "The economic implications of corporate financial reporting". *Journal of Accounting and Economics* 40: 3-73.

24. Hambrick, D, C, Abrahamson, E. (1995). "Assessing the amount of managerial discretion in different industries: A multimethod approach". *Academy of Management Journal* 38: 1427-1441.
25. Hambrick, D, C, Finkelstein, S. (1987). "Managerial discretion: A bridge between polar views of organizational outcomes". In: *Research in Organizational Behavior* (Volume 9), Staw B, Cummings LL (eds). *JAI Press*: Greenwich, CT; 369-406.
26. Kahneman, D, Tversky, A. (1979). "Prospect theory: An analysis of decision under risk". *Econometrica* 47: 263-292.
27. Kahneman, D, Tversky, A. (2000). "Choices, Values and Frames". *Cambridge University Press*: New York.
28. Koys, D, J. (2001). "The effects of employee satisfaction, organizational citizenship behavior, and turnover on organizational effectiveness: A unit-level, longitudinal study". *Personnel Psychology* 54: 101-114.
29. Kramer, L.A and Liao, C.M. (2012). "The Cost of False Bravado: Management Overconfidence and its Impact on Analysts' Views". North American Finance Conference.
30. Larwood, L, Whittaker, W. (1977). "Managerial myopia: Self-serving biases in organizational planning". *Journal of Applied Psychology* 62: 194-198.
31. Lee, S, Matsunaga, S, R, Park, C, W. (2012). "Management forecast accuracy and CEO turnover". *Accounting Review* 87: 2095-2122.
32. Li, J, T, Tang, Y. (2010). "CEO hubris and firm risk taking in China: the moderating role of managerial discretion". *Academy of Management Journal* 53: 45-68.
33. Rozin, P, Royzman, E, B. (2001). "Negativity bias, negativity dominance, and contagion". *Personality and Social Psychology Review* 5: 296-320.
34. Svenson, O. (1981). "Are we all less risky and more skillful than our fellow drivers?" *Acta Psychologica* 47: 143-148.
35. Voreacos, D, Nussbaum, A, Farrell, G. (2011). "Johnson and Johnson's quality catastrophe". *Bloomberg Business week*, March 31.
36. Wen, F. H., Huang, D. L., Lan, Q. J., & Yang, X. G. (2007) Numerical Simulation for influence of Overconfidence and regret aversion on return distribution. *System Engineering-Theory & Prantice*, 27(7), 10.